

گزارشی از بررسی باستان‌شناسی محوطه گسل بم (افراز)*

شهرام زارع

موسسه فرهنگی-پژوهشی خُجند

محوطه گسل بم یا افراز یکی از محوطه‌های بسیار مهم دوره تاریخی (هخامنشی، اشکانی و ساسانی) به‌شمار می‌رود که تاکنون ناشناخته مانده بود^۱. بازدید و بررسی مقدماتی حاکی از آن بود که این محوطه قابلیت بالایی در ارائه اطلاعات باستان‌شناختی و پرتوافکنی به ناشناخته‌های ما از دوره‌های پیش گفته دارد. گام نخست برای دست یافتن به چنان شناختی درافکنند پرسش و فرضیه و ارائه آن در هیأت طرحی پژوهشی بود. پرسش محوری طرح عبارت از این بود که آگاهی ما از وضعیت فرهنگی-تاریخی منطقه به چه میزان است و محوطه گسل بم -با توجه به غنای آثار سطحی- در چه بافتی شکل گرفته و بالیده است؟ پرسش‌های دیگر به چگونگی ماهیت و وضعیت استقرار محوطه، تسلسل گاهنگاری و میزان ارتباط آن با ارگ-شهر بم می‌پردازد.

تعیین نقش ارتباطی محوطه گسل با محوطه‌های درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای، شناخت ارتباط زیست‌بوم منطقه با وضعیت استقرار محوطه، چرایی متروک شدن محوطه و اینکه پس از متروک شدن حیات اجتماعی آن در کجا تداوم یافته، از دیگر موضوعات مورد توجه طرح است.

موقعیت جغرافیایی بم و محوطه گسل (افراز)

شهرستان بم در شرق استان کرمان و در کناره‌های جنوب غربی دشت کویری لوت قرار دارد (شکل ۱). این شهرستان آب و هوایی گرم و خشک همراه با نسیمی دایمی دارد. رشته کوه‌های جبال بارز در جنوب، کوه هزار در غرب و کوه کبودی در شمال، باعث شده که این منطقه دارای منابع آبی سطحی و زیرزمینی غنی‌ای باشد. رودخانه‌های فصلی پشت‌رود، آدوری و نسا و همچنین هزاران رشته قنات قدیمی، سبب پدید آمدن سرزمینی حاصل خیز گشته که در طی تاریخ خود از رونق کشاورزی، دامداری و باغداری برخوردار بوده است. گسل بم در نزدیکی شهر کنونی بم، در جانب غربی شهر بروات و سمت شرقی شهر بم تقریباً در حد واسط این دو شهر قرار دارد. فاصله این گسل که در راستای شمالی-جنوبی قرار دارد از شهر بم یک کیلومتر است.

آنچه از گسل بم-بروات بر روی تصویر ماهواره‌ای پیداست (تصویر ۹)، خط روشن ممتدی است که از شمال شرق شهر بم به طول تقریبی ۱۲ کیلومتر به سمت جنوب کشیده شده و تقریباً به موازات بخش جنوبی شهر بروات ناپدید می‌شود. عرض گسل در قسمت‌های شمالی به یک کیلومتر می‌رسد و هر چه به جانب جنوب امتداد می‌یابد از عرض آن کاسته می‌شود؛ به گونه‌ای که در انتهای‌ترین بخش، این اندازه به کمتر از ۵۰۰ متر می‌رسد. گسل بم پدیده‌ای زمین‌شناختی است که در نتیجه فشارهای درونی زمین پدید آمده و سالیان دراز در این منطقه قرار داشته و در دوره‌های مختلف شاهد استقرارهای متعددی

یادداشت

منطقه کویری بم که در حاشیه جنوبی دشت پهناور لوت قرار دارد از دیدگاه باستان‌شناختی منطقه‌ای کم‌شناخته و بلکه ناشناخته است. دشت بم در جنوب شرقی ایران در جایی از حاشیه کویر قرار دارد که جبال بارز و کوه‌های کبودی از شمال و غرب و جنوب همچون حصار در میانش گرفته‌اند. موقعیت جغرافیایی ویژه بم، وضعیت ارتباطی و بازرگانی منحصربه‌فردی را برای این منطقه پدید آورده و از این حیث بم نقش تاریخی ارزنده‌ای در جنوب شرق ایران داشته است.^۱ صد البته که به دلیل انجام نشدن مطالعات باستان‌شناسی، شناخت چنین نقشی تاکنون میسر نشده است.

زلزله ویرانگر دی ماه سال ۱۳۸۲ در بم، لرزه‌ای بر رکود فعالیت‌های باستان‌شناسی این منطقه نیز بود. از جمله پژوهش‌های میدانی که پس از زلزله در راستای تحصیل آگاهی‌های باستان‌شناختی و تاریخی بم انجام شد، یکی هم طرح «بررسی فراگیر محوطه گسل بم» است.^۲ طرح بررسی فراگیر محوطه گسل بم بر آن است تا با مطالعه یکی از مهمترین محوطه‌های باستانی منطقه بم به ترسیم چشم‌انداز فرهنگی آن به‌ویژه در دوره تاریخی بپردازد. این امر خواهد توانست آگاهی‌های ما را از چگونگی زندگی ساکنان یکی از مناطق حاشیه کویر ارتقاء بخشد و بر دامنه دانش ما از گذشته شهر و منطقه امروزی بم بیافزاید. گو اینکه آگاهی از گذشته و وقوف به ساز و کارهای زندگی مردمان این خطه، به درک ما از وضعیت کنونی آن نیز کمک شایانی خواهد نمود.

بوده است. سرتاسر پیکره گسل از خاکی به رنگ کرم پوشیده شده و شکافهای فراوانی در جهت غربی-شرقی بر روی آن دیده می شود. این شکافها به دلیل بارش باران و جاری شدن سیلابهای کوچک و بزرگی پدید آمده‌اند که در درازمدت بر جسم گسل روان بوده‌اند. از جمله عناصر دیگری که بر پیکره گسل به چشم می‌خورد رشته قنات‌های متعددی است که ساکنان این منطقه در دوره‌های مختلف برای دستیابی به آب ایجاد نموده‌اند و برخی از آنها هنوز دایراند. تراکم این قناتها بر روی گسل بیش از سایر نقاط بم است. علت این امر را باید در ماهیت ویژه گسل بم دانست که همچون سدی طبیعی منجر به تجمع آبهای زیرزمینی شده است (سمسار یزدی ۲۴: ۱۳۸۴).



شکل ۱- نقشه موقعیت شهرستان بم در استان کرمان
Fig.1. Map Showing Location of Bam Township in Kerman Province.

محوطه گسل بم: شواهد باستان‌شناختی

پیشتر نیز گفته‌ایم که دانش ما درباره باستان‌شناسی جنوب و به‌ویژه شرق ایران اندک است (زارع ۱۳۸۳). از جمله این مناطق یکی کرمان است که همواره به‌عنوان منطقه‌ای مهم

گسل به منظور مشخص نمودن مراحل گوناگون فرهنگی این محدوده، از دوره پیش از تاریخ تا دوران تاریخی بهره‌برد. در این راستا از جمله اهداف یکی این بود که مواد خام حاصل از بررسی روشمند این محوطه، امکان شناخت تأثیر و تأثر احتمالی سنت‌های سفالی منطقه بم با سایر مناطق را فراهم نماید. همچنین امکان مقایسه و سنجش یافته‌های باستان‌شناختی ارگ بم با یک محوطه باستان‌شناختی نزدیک به آن فراهم گردد.

در طی بررسی بر روی محوطه چند دسته آثار شناسایی شد که عبارتند از: ۱- آثار معماری خشتی (دفاعی، مسکونی، مذهبی)؛ ۲- آثار محرابه‌مانند؛ ۳- کوره‌های پخت سفال؛ ۴- گورستان؛ ۵- قنات‌های کهن؛ و ۶- یافته‌های دیگر.

۱- آثار معماری

بر روی محوطه گسل سه قلعه وجود دارد. «قلعه جنوبی» که بر حسب موقعیت مکانی‌اش در بخش جنوبی محوطه به این نام خوانده شد. دو دیگر «قلعه هشت برج» است (تصویر ۱۰) و آن دیگری قلعه‌ای است با نام محلی «قلعه چهل چراغ». از میان این قلعه‌ها، قلعه چهل چراغ سالم‌تر از بقیه بوده و اجزای بیشتری

در ادوار پیش از تاریخی و تاریخی مطرح بوده و به‌مثابه پلی ارتباطی، نقش مهمی در پیوند خراسان بزرگ و دره سند از یک سو و جنوب و جنوب غربی ایران از دیگر سو داشته است. با این وصف، آگاهی باستان‌شناختی درباره چگونگی این ارتباط [به‌ویژه در دوره تاریخی] با ابهام بسیاری روبرو است. منطقه بم در کرمان از جمله مناطقی است که می‌تواند پاسخگوی برخی از ابهام‌های موجود باشد. بنابر قول جغرافی‌دانان اسلامی، کرمان در گذشته پنج کوره یا ایالت داشته است که هر کوره به نام مرکز آن نامگذاری شده بود: «این سرزمین پنج خوره و ناحیت است. نخستین آنها از سوی فارس، بردسیر (یا گواشیر)، سپس نرماشیر، سپس سیرجان، سپس بم، سپس جیرفت می‌باشد.» (احسن‌التقاسیم، ص ۶۸۱). از خلال گزارش‌های مورخان و جغرافی‌دانان اسلامی آگاهی‌های نسبتاً خوبی از بم دوره اسلامی در دست است. اما درباره گذشته پیش از اسلام بم چه در دوران تاریخی و چه در دوره پیش از تاریخ تقریباً اطلاعی در دست نیست.

پژوهش حاضر، با در نظر قرار دادن چنین موضوعی تلاش نموده است تا به شناسایی و بررسی پراکندگی الگوهای استقرار محوطه

از آن برجای مانده است. پس از آن قلعه هشت‌برج از سلامت بیشتری برخوردار است. مصالح هر سه قلعه از خشت و چینه است و پلان مربع یا مستطیل دارند. قلعه جنوبی از نظر تراکم یافته‌های سفالی شرایط ویژه‌ای دارد. چه آنکه در بخش داخلی و همچنین پیرامون آن انبوهی از قطعه سفالهای دوران تاریخی پراکنده است. چنین تراکمی از یافته‌های سفالی، پیرامون دو قلعه دیگر مشاهده نمی‌شود.

در شمال گسل نیز چند اثر معماری وجود دارد. بنای چهار تاقی و کوشک رحیم‌آباد که هر دو آثاری کم و بیش شناخته شده‌اند؛ البته نه از راه پژوهش علمی، بلکه شناخته شده از آن رو که به علت همجواری با ارگ تاریخی بم گاه و بی‌گاه مورد بازدید قرار می‌گرفته‌اند. چنان‌که نام کوشک رحیم‌آباد در فهرست آثار ملی نیز به ثبت رسیده است. علاوه بر دو بنای مذکور بنای ناشناخته و کوچکی نیز در مسیر جاده بم-نارتیج در نزدیکی محل فعلی دفع ذباله، قبل از چهارتاقی، شناسایی شد که کارکرد آن فعلاً مشخص نیست.

۲- آثار محرابه‌مانند

در دیواره مسیل‌هایی که در طی زمان در جای جای این گسل ایجاد شده‌اند آثاری محرابه‌مانند نمایان است (تصویر ۱۱). این آثار عمدتاً در محل‌هایی قرار دارند که به نوعی در پیوند با آب است. در بخش جنوبی گسل و در نزدیک قلعه جنوبی تعداد ۱۰ نمونه از این آثار وجود دارد. اینکه آثار مذکور چه هستند و چه ارتباطی با آثار سطحی محوطه و مهم‌تر از همه موقعیت مکانی خود [یعنی در میان شکاف‌ها و مسیرهای عبور آب] دارند هنوز معلوم نیست. بررسی‌های آغازین بر روی شواهد به دست آمده و شکل و ساختار این آثار نشان می‌دهد که این محرابه‌مانندها می‌توانند دارای کاربری مذهبی باشند. دکتر شهریار عدل همچنان‌که نخستین یابنده این آثار محسوب می‌گردد، اولین کسی است که پیوند آنها را با نوعی آیین مرتبط با آب مطرح نموده است.

تعیین کاربری دقیق، قدمت و چگونگی ارتباط این آثار با نوع مذهب مردم موضوعی است که مطالعه آن هنوز در آغاز راه است. به هر رو این پژوهش‌ها مراحل مقدماتی را از سر می‌گذرانند و ارایه تحلیل‌های نزدیک به واقع در این باره به مطالعات آینده وابسته است.

۳- کوره‌های پخت سفال

از دیگر آثار مهمی که بر سطح محوطه شناسایی شد، شمار کثیری از کوره‌های پخت سفال است. آثار این کوره‌ها گاه به صورت داغ کوره و گاه به صورت بقایایی از سازه قابل رؤیت است. اگرچه میزان تخریب همه کوره‌ها یکسان نیست، اما تقریباً همه آنها بسیار آسیب دیده‌اند. به گونه‌ای که در برخی از آنها تنها داغی بر زمین قابل مشاهده است.

از برخی دیگر هنوز دیواره‌هایی باقی مانده است که حدوداً ۵ تا ۱۰ سانتیمتر بالاتر از سطح زمین قرار دارند. معدودی از کوره‌ها نیز سلامت بیشتری دارند (تصویر ۱۲).

تاریخگذاری کوره‌ها و مشخص نمودن این‌که آیا همه آنها به یک دوره تعلق دارند یا آنکه در دوره‌های مختلف ایجاد شده و مورد استفاده بوده‌اند، امر مهمی است و برای شناخت هرچه بیشتر آن دوره نقش ویژه‌ای دارد. نکته مهم دیگر به گونه‌شناسی کوره‌ها و فهم تنوع سبکی آنها مربوط می‌شود. شناخت گونه‌های مختلف کوره‌ها [که از هم‌اکنون و با مطالعه مقدماتی تنوع آنها محرز شده است]، به آگاهی از سطح دانش سازندگان آنها و درک تحول فنی کوره‌ها کمک فراوانی خواهد نمود. این امر همچنین به شناخت ما از وضعیت کمی و کیفی زندگی ساکنان این منطقه خواهد افزود.

محوطه گسل با استناد به مدارک یافته شده می‌تواند منطقه‌ای صنعتی به‌شمار آید. شواهد باستان‌شناختی گواه بر آن است که این محوطه به‌عنوان مرکزی برای تولید سفال از اهمیت زیادی برخوردار بوده است (زارع ۱۳۸۵). این‌که ساز و کار تولیدی این محوطه چگونه بوده و این‌که آیا تمام آثار تولیدی در همین جا استفاده می‌شده‌اند یا خیر؟ هنوز به درستی مشخص نیست.

۴- گورستان

دو گورستان در بخش شرقی و شمال شرقی محوطه گسل شناسایی شد که هر دوی این گورستانها مربوط به دوره متأخر اسلامی‌اند.

گورستان شماره ۱: این گورستان در بخش شرقی محوطه گسل و در پای قلعه چهل چراغ قرار دارد. گورستان مذکور در محدوده‌ای گسترده شده که از پای دیواره گسل تا مجاورت خانه‌های مسکونی امروزی شهر بروات کشیده شده است. یک راه خاکی ماشین‌رو بین دو بخش قدیمی تر (?) [نزدیک دیواره گسل] و بخش جدیدتر [نزدیک منازل مسکونی بخش غرب بروات] فاصله انداخته است. در بخش نزدیک گسل که به تدریج در میان انبوهی از نخاله‌ها و آوار ساختمانی پس از زلزله در حال دفن شدن است، ساختار گورها حکایت از قدمت بیشتری دارد. در اینجا فرو رفتگی‌های متعدد زمین معرف محل گورهاست.

گورهای نزدیک خانه‌های مسکونی امروزی شهر بروات نسبت به سایر گورها اندکی سالم‌ترند. چرا که این محل به نوعی گورستان کنونی شهر محسوب می‌شود و آنقدر احترام و اعتبار دارد که به سادگی تخریب نشود. ابعاد این بخش به طور تقریبی ۲۰×۱۰۰ متر است. جالب توجه‌ترین نکته در ساختار گورها، تزیینات آجرکاری سطح آنهاست که نقش سنگ قبرهای امروزی را ایفا می‌کند. آجرکاری روی این قبور عموماً مشتمل بر طرح‌هایی هندسی است.

گورستان شماره ۲: گورستان دوم، گورستانی بزرگ است که در شمال شرقی گسل و به موازات انتهای شمال غربی شهر بروات قرار دارد. این گورستان نیز دارای گورهایی با سنگ قبر مرمرین و گورهایی با سطح آجرکاری شده است.

۵- قنات

حفر قنات مهم‌ترین روش برای بهره‌برداری از منابع آب زیرزمینی در دشت بم-نرماشیر است. فن قنات با توجه به خشکی طبیعی و کمبود منابع آبهای جاری سطحی و نزولات جوی از زمانهای دور تاکنون از مطمئن‌ترین روش‌های تأمین آب شرب و کشاورزی بوده است. در منطقه بم قنات‌های زیادی پراکنده است که هنوز دایراند و منبع تأمین آب مردم محسوب می‌شوند. همچنین شمار زیادی قنات‌های بایر وجود دارد که از دوره‌های کهن‌تر برجای مانده‌اند. در این منطقه غالب قنات‌ها در شمال غربی و غرب، جنوب غرب و در محدوده محوطه گسل بم حفر شده‌اند. قنات‌های بایر بیشتر در شمال غربی شهر بم قرار دارند. تمرکز اصلی قنات‌ها در محدوده گسل بم و عمود بر آن است. قنات‌های بخش جنوبی خط گسل وضع متراکم‌تری دارند که در اثر زلزله خسارات بیشتری نیز متحمل شده‌اند. زمین‌های واقع در شرق بم پست‌تر از قسمت غربی آن بوده و شیب زمین به سمت شرق است. بنابراین تمامی قنات‌ها در این منطقه غربی-شرقی‌اند.

با استناد به قنات‌های محوطه گسل باید اذعان داشت که قنات‌سازی و قنات‌داری در این منطقه، سنتی بس کهن است. در بخش جنوبی گسل، مظهر دست‌کم چند قنات که در این محوطه باز می‌شده قابل شناسایی است. همچنین شبکه قنات‌های قدیمی در بخش شمالی گسل قابل ذکراند. قنات‌های کهن محوطه گسل بم که احتمالاً قدمت آنها به دوره هخامنشی می‌رسد از جمله آثار نادری هستند که می‌توانند پیشینه این فن مهم و دقیق آبرسانی را در مراحل آغازین خود به روشنی نشان دهند (زارع ۱۳۸۵).

۶- یافته‌های دیگر

بر سطح محوطه انبوهی از قطعات سفالی پراکنده است (تصویر ۱۴). این آثار به‌ویژه در بخش جنوبی گسل تراکم زیادی دارد. قطعه سفال‌ها از تنوع چشمگیری برخوردارند. مطالعه مقدماتی (زارع ۱۳۸۵) نشانگر غنای یافته‌هایی است که به‌نوعی در پیوند با دوره‌های هخامنشی، پارتی و ساسانی‌اند. نمونه‌هایی از قطعات سفالی و ظروف سنگی به حضور عناصر شناخته شده دوره هخامنشی صحنه می‌گذارد. قطعه سفال‌های منقوش به‌رنگ قهوه‌ای سوخته با نقوش هندسی و حیوانی و قطعه سفال‌های حیوان‌ریخت دوره اشکانی از نمونه‌های شاخص این دوره به‌شمار می‌روند. قطعه سفال‌هایی که با لعاب آبی

فیروزه‌ای و سبز کدر پوشانده شده‌اند نیز معرف شیوه سفالگری پارتی و ساسانی است. در میان یافته‌های سفالی سه قطعه سفال نبشته به خط روزگار پارتی هم یافته شد که در منطقه بم نادر است و تأییدی بر سکونت در این دوره بر محوطه گسل قلمداد می‌شود. علاوه بر سفال، قطعاتی از ظروف سنگی و اشیاء فلزی هم یافته شد.

سخن پایانی

همان‌گونه که در آغاز این نوشتار اشاره شد آگاهی از گذشته پیش از اسلام بم به دلیل فقدان منابع مکتوب و انجام نشدن پژوهش‌های باستان‌شناختی همواره در پرده ابهام مانده است. در واقع باید گفت که تنها به‌سبب توجهات پس از زلزله دی ماه ۱۳۸۲، به شناخت گذشته پیش از اسلام بم نایل آمده‌ایم. چنانکه استقرارگاه‌های باستانی در اطراف بم به‌تازگی در دست شناسایی و مطالعه قرار گرفته‌اند. قلعه‌ها که شبکه‌ای از مراکز استقراری میان‌راهی را شکل بخشیده‌اند، نقشی حیاتی در رشد و رونق منطقه برعهده داشته‌اند. از جمله این قلعه‌ها می‌توان به قلعه فهرج، سرنسا، کُرک، قلعه دختر، ارگ-شهر بم، قلعه‌های دازین، ابارق (اوارک)، قلعه تهرود و بسیاری دیگر اشاره نمود^۴. از جمله محل‌های کهن پیرامون بم که به مدد متون تاریخی و جغرافیایی دوره اسلامی امروزه نام آنها برای ما آشناست می‌توان به نرماشیر، ریگان، نسا، فهرج و دازین اشاره کرد. متون مذکور بنیادگذاری این مراکز را عمدتاً به پیش از اسلام [به بهمن و رستم و اسفندیار] نسبت می‌دهند. در این متون، بم یکی از مناطق عمده و از پنج شهر مهم ایالت کرمان به‌شمار می‌آمده است^۵.

این متون بارها و بارها خوانده شده‌اند و در بسیاری از نوشته‌ها، مقالات و مجامع علمی به تکرار از آنها سخن گفته شده است. اکنون به‌خوبی روشن است که بازخوانی آنها بی‌مدد پژوهش‌های میدانی [باستان‌شناسی] کاری بیهوده است. بررسی‌های باستان‌شناسی در واقع امکان مطالعه محوطه‌های باستانی را بدون کاوش فراهم می‌آورند. از این رو، بررسی با برخوردار از قابلیت‌هایی نظیر کم‌خرج بودن و تخریب محدود، مبنای نظری کاوش را فراهم می‌کند. «بررسی فراگیر محوطه گسل بم» با اتخاذ شیوه «پیمایش فشرده» و «نمونه‌برداری روشمند طبقه‌بندی‌شده» برای محقق کردن این مقصود انجام گرفت. این شیوه بررسی قابلیت بالایی در ثبت و ضبط یافته‌ها دارد و با طی نمودن مراحل گوناگون آماری و تحلیلی، امکان شناخت هر چه دقیق‌تر سفال و دیگر مواد فرهنگی و نیز الگوی پراکندگی آن در یک محوطه در زمان‌های مختلف را فراهم می‌کند. بنابراین چنین برنامه‌ای - که تاکنون در بم انجام نگرفته - می‌تواند با روشن کردن ماهیت استقرار محوطه گسل گام مناسبی جهت شناخت هر چه بهتر و بیشتر منطقه و معیاری برای سنجش یافته‌های مناطق همجوار باشد.

در این مرحله، هنوز ارایه پاسخ به جملگی پرسشهای پیش روی این پژوهش دشوار است. با این وصف، هم‌اکنون ما به‌طور نسبی از ماهیت و وضعیت استقرار محوطه گسل آگاهی یافته‌ایم و می‌دانیم با چه آثاری روبرویم و بر همین اساس از تسلسل گاهنگاری محدوده مورد بررسی مطلع شده‌ایم؛ اگرچه صحبت کردن در این باره هنوز زود است و باید به انتظار مطالعه بیشتر مواد حاصل از بررسی نشست. همپوشانی بقایای دوره‌های مختلف استقرار [که بسیار پُرشمارند] و تداوم سنت‌های فرهنگی از جمله مسایلی است که تاریخگذاری این یافته‌ها را با مشکل مواجه می‌کند. بیشتر یافته‌های سطحی محوطه را قطعات سفالی تشکیل می‌دهد و حجم و دامنه پراکنش آنها هر پژوهشگری را به شگفتی وا می‌دارد. از آنجا که این قطعات سفالی از تنوع و تعدد چشمگیری برخوردارند و تاریخگذاری دقیق بیشتر آنها بر مبنای شاخصه‌های رایج مقایسه و تعیین قدمت [نظیر فرم، بافت، شیوه ساخت و...] سست خواهد بود، لایه‌نگاری و کاوش محوطه برای فهم ماهیت این آثار ضروری است.

محوطه باستانی گسل بم را از دریچه دیگری نیز باید نگریست. پیش از این از دوره‌های تاریک تاریخ منطقه بم و ضرورت اجرای پژوهش‌های میدانی [باستان‌شناسی] سخن به میان آوردیم. اکنون یادآور می‌شویم با توجه به اندک بودن اطلاعات باستان‌شناختی از دوره‌های تاریخی در جنوب و شرق ایران تمامی این مناطق دوره‌های تاریک تاریخ ایران را در خود مستور دارند. پژوهشگران همواره از کم‌شمار بودن مدارک باستان‌شناختی دوره هخامنشی، [به‌ویژه] دوره اشکانی و دوره ساسانی سخن گفته‌اند و بازسازی تاریخ این دوران را با اتکا به نوشته‌های یونانی و رومی انجام داده‌اند. چنانکه ولسکی، پژوهشگر برجسته دوره اشکانی، از تحقیقات پیشین درباره اشکانیان انتقاد می‌کند: «از چند قرن پیش، تاریخ ایران در فاصله میان سقوط هخامنشیان تا ظهور ساسانیان، یعنی مدت پنج قرن و نیم را کم ارزش پنداشته‌اند» (ولسکی ۱۱: ۱۳۸۳) و می‌نویسد: «در

پی‌نوشت‌ها

* «قراز» نامی است که اهالی منطقه [بویژه بَرَوَات] به آن بخش از گسل که قلعه چهل‌چراغ بر «قراز» آن قرار گرفته اطلاق می‌کنند. از آنجا که این نام کل محوطه را در بر نمی‌گیرد و از سوی دیگر نام «گسل بم» پس از زلزله رایج شده و در بسیاری از مکاتبات نیز مورد استفاده قرار گرفته، ما از هر دو نام سود جستیم.

۱- آگاهی از ساختار ارتباطی و اقتصادی بم در دوره اسلامی به مدد گزارش‌های جغرافی‌دانی چون استخری، مقدسی، ابن‌حوقل و... به‌سادگی میسر است. پژوهش‌های جدید جغرافیایی و باستان‌شناسی نیز بر ریشه‌دار بودن چنین ساختاری در دوره‌های کهن‌تر صحنه می‌گذارد.

۲- نوشتار حاضر گزارشی اجمالی است از طرح «بررسی فراگیر محوطه گسل بم» (با تأکید بر اواخر دوره ساسانی و اوایل دوره اسلامی) که در قالب پایان‌نامه کارشناسی ارشد به تصویب گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس رسیده است. نگارنده از دکتر سیدمهدی موسوی کوهپور و دکتر مسعود آذرنوش که راهنمایی و مشاوره طرح را با طیب خاطر پذیرفتند، سپاسگزار است. مهندس اسکندر مختاری، مدیر محترم پروژه نجات‌بخشی میراث فرهنگی بم، در تمام مراحل انجام طرح پشتیبان مستقیم آن بوده است و بدون حمایت وی این پژوهش به بار نمی‌نشست؛ صمیمانه قدران همراهی و زحمات ایشان هستم. همچنین باید از مساعدت ریاست پژوهشکده باستان‌شناسی، دکتر

دهه‌های اخیر، هر قدر کاوشهای باستان‌شناسی در شرق و به‌ویژه در ایران بیش‌تر پیشرفت کرده است، از اهمیت نقش یونانی‌گرایی لااقل در مورد ایران کاسته شده است... کاوشهای باستان‌شناختی از دل ایران اشیای بسیار با اهمیتی را بیرون کشیده‌اند. این کاوشها نه تنها در ایران کنونی بلکه در آسیای مرکزی نیز انجام شده است که باعث کشف تماس‌های فراوان با این سرزمین شده است. این رویکرد تازه امکان می‌دهد به عامل نوینی پی ببریم که بتواند تاریخ اشکانیان را در منظر تاریخی متفاوتی قرار دهد» (همان: ۱۳-۱۲). طرفه آنکه ولسکی تنها توانسته مبنای اظهارات خود را به «نقش آغازگر لوئی واندنبرگ» مستند سازد (همان: ۱۳)؛ چرا که پژوهشها در این باره به واقع اندک است.

برجسته‌ترین فعالیت‌های باستان‌شناسی دوره پارتی و ساسانی در ایران کنونی را شاید اینچنین بتوان نام برد: قلعه یزدگرد (کیل ۱۹۶۷)، تُرنگ‌تپه (بوشارلا ۱۹۸۷)، حاجی‌آباد (آذرنوش ۱۹۹۴)، قصر ابونصر (ویتکامب ۱۹۸۵)، کوه خواجه (هرتسفلد ۱۹۴۱؛ گولینسی ۱۹۶۴؛ موسوی ۱۳۷۵)، شوش (گیرشمن ۱۹۵۴)، سیراف (وایت‌هاوس ۱۹۶۸)، گرمی (کامبخش‌فرد ۱۳۷۷)، بندیان (رهبر ۱۳۷۶)، بیشاپور (گیرشمن ۱۳۷۸؛ سرفراز ۱۳۴۸)، تخت سلیمان (نومان ۱۳۷۴)، تپه یحیی (کارلوفسکی ۱۹۷۰)، گرگان (کیانی ۱۹۸۲)، خوزستان (ونکه ۱۹۷۵). اکنون سالهاست که بسیاری از این کاوشها و پژوهشها متوقف مانده‌اند و فقط برخی از آنها در طی سالهای اخیر از سر گرفته شده است که کاوشهای بیشاپور، تخت سلیمان و اخیراً فیروزآباد از آن جمله‌اند.

آشکار است که این نامها در برابر جغرافیای گسترده کشور، اندک‌اند و در این میان سهم شرق ایران باز هم کم‌تر. در چنین فضایی است که مطالعه باستان‌شناختی محوطه گسل بم به عنوان محوطه‌ای هخامنشی، پارتی و ساسانی اهمیت می‌یابد.

مسعود آذرنوش و سایر همکاران آن پژوهشکده برای صدور مجوز بررسی تشکر نمایم. همکاری‌های ارزشمند دوستان گرامی‌ام محمدتقی عطایی، علیرضا یارمحمدی، نرگس احمدی، مهدی کرامت‌فر، اعظم رعیت، لیلی سجادی، امید یزدانی و همکاران پایگاه بم شایسته قدردانی است.

۳- محوطه گسل بم با پیمایشهای طولانی دکتر شهریار عدل در گرمای بیابانهای بم شناخته شد و هم‌اکنون نگارنده و سایر همکاران باستان‌شناس و غیر باستان‌شناس سازمان میراث فرهنگی و پایگاه پژوهشی آرگ بم را با آثار این محوطه بسیار مهم باستانی آشنا ساخت. بنابراین فضل تقدم در شناخت این محوطه با دکتر عدل است.

۴- آقای هادی احمدی طی طرحی که برای پایگاه پژوهشی آرگ بم با عنوان «گزارش تحقیق و شناسایی قلعه‌های منطقه فرهنگی بم» به انجام رسانیده‌اند، تعداد ۹ قلعه را معرفی کرده است. گزارش احمدی به‌رغم علاقه‌ای که وی برای شناسایی آثار از خود نشان داده، چندان توفیقی در ارایه اطلاعات نداشته است. به‌ویژه آنکه زمینه مطالعاتی او باستان‌شناسی نیست و وی قادر به ثبت و ضبط و استخراج اطلاعات باستان‌شناختی از محوطه‌های مورد بررسی نبوده است.

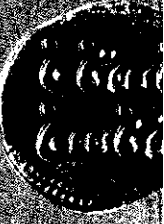
۵- مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ص ۶۸۱.

۶- برای اطلاع بنگرید به: (www.chn.ir-۱۳۸۳/۸/۲۵)

کتابنامه

- ۱۳۸۵ بررسی فراگیر محوطه گسل بم (با تأکید بر اواخر دوره ساسانی و اوایل دوره اسلامی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس (در دست تدوین).
- سازمان جغرافیایی وزارت دفاع
- ۱۳۸۲ فرهنگ جغرافیایی آبادیهای استان کرمان: شهرستان بم تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.
- کامبخش فرد، سیف‌الله
- ۱۳۷۷ گورخمره‌های اشکانی، مجله باستان‌شناسی و تاریخ (پیوست شماره ۱).
- گیرشمن، رمن ۱۳۷۸ بیشاپور، ترجمه اصغر کریمی، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی.
- موسوی، سید محمود
- ۱۳۷۵ «یادمان خشتی» کوه خواجه زابل و خلاصه‌ای از نتایج مطالعات و کاوشهای انجام شده در آن، مجموعه مقالات تاریخ معماری و شهرسازی ایران ارگ‌بم-کرمان، ج ۴، صص ۶۷-۹۸.
- ناومان، ردلف
- ۱۳۷۴ ویرانه‌های تخت سلیمان و زندان سلیمان، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- ولسکی، یوزف
- ۱۳۸۴ شاهنشاهی اشکانی، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، ج دوم، تهران: انتشارات ققنوس.
- (الف) فارسی**
- ابوعبدالله محمدبن احمد مقدسی
- ۱۳۶۱ احسن‌التقسیم فی معرفه‌الاقالیم، ترجمه دکتر علینقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- احمدی، هادی
- ۱۳۸۴ گزارش تحقیق و شناسایی قلعه‌های منطقه فرهنگی بم بایگانی پایگاه نجات‌بخشی میراث فرهنگی بم.
- سرفراز، علی اکبر
- ۱۳۴۸ «بیشاپور شهر بزرگ ساسانی»، باستان‌شناسی و هنر ایران، ج ۱، ش ۲، صص ۶۹-۷۴.
- سمسار یزدی، علی‌اصغر
- ۱۳۸۴ بررسی قنوات بم از دیدگاه فنی و مهندسی، ناشر: شرکت مهندسی مشاور هلیل آب، با همکاری شرکت سهامی آب منطقه‌ای یزد
- رهبر، مهدی
- ۱۳۷۶ «کاوشهای باستان‌شناسی بندیان درگز»، گزارش‌های باستان‌شناسی، شماره ۱، صص ۹-۳۲.
- زارع، شهرام
- ۱۳۸۳ «مقدمه‌ای بر آگاهی‌های باستان‌شناختی از ارگ و منطقه بم در دوره ساسانی و قرون اولیه اسلامی»، در: ارگ بم پس از زلزله: تمهیدات باستان‌شناختی، پایگاه پژوهشی میراث فرهنگی بم، صص ۲۵-۲۲.
- (ب) غیر فارسی**
- Azarnush, M.,
- 1994 *The Sasanian Manor House at Hāji-ābād, Iran, Monografie di Mesopotamia III*, Florance, Casa Editrice Le Lettere.
- Boucharlat, Remy, et al.
- 1987 *Fouilles de Tureng Tepe; I, Les Périodes Sassanides et islamiques*, Paris, Recherche sur les Civilisations, 30 cm, XII, 236, ill, 127 p. plts.
- Gullini, G.,
- 1964 *Architettura iranica dagli Achemenidi ai Sasanidi: il "Palazzo" di Kuh-i Khwagia Seistan*, Torino, Einaud.
- Herzfeld, E.,
- 1941 *Iran in the Ancient East*, London, Oxford University Press.
- Kiyani, M. Y.,
- 1982 "Parthian Sites in Hyrcania: The Gurgan Plain", *AMF: Erg.-Bd.*; 9.
- Keal, E.,
- 1967 "Qaleh-i Yazdigird, A Sasanian Palace Stronghold in Perspolis", Vol. XIX, 33-80.
- Lamberg-Karlovsky, C.C.,
- 1970 *Excavation at Tepe Yahya, 1967-1969, Iran, Progres Report I*, Cambridge M. A, American prehistoric society.
- Whitehouse, David and Williamson, A.,
- 1968 "Excavation at Siraf: First Interim Report", *Iran*, Vol. VI, pp.1-22.
- Wenke, Robert, J.,
- 1975 *Imperial Investments and Agricultural Developments in Parthian and Sassanian Khuzestan: 150 B. C. to A. D. 640*, Ph. D. Dissertation, Department of Anthropology, University of Michigan.
- 1987 "Western Iran in the Partho-Sassanian Period: Imperial Transformation" in *the Archaeology of Western Iran*, Frank Hole ed., Washengton, D. C., Smithsonian Institution Press, pp. 251-281.
- Withcomb, D.,
- 1985 *Before Roses and Nightingales: Excavation at Qasri-Abu Nasr, Old Shiraz*, New York, the Metropolitan Museum of Art.





نام: نام خانوادگی: شغل: رشته و میزان تحصیلات:

نشانی پستی: کد پستی:

تلفن: دورنگار: صندوق پستی:

پست الکترونیک:

تاریخ و امضاء

نام: نام خانوادگی: شغل: رشته و میزان تحصیلات:

نشانی پستی: کد پستی:

تلفن: دورنگار: صندوق پستی:

پست الکترونیک:

تاریخ و امضاء

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نام: نام خانوادگی: شغل: رشته و میزان تحصیلات:

نشانی پستی: کد پستی:

تلفن: دورنگار: صندوق پستی:

پست الکترونیک:

تاریخ و امضاء

اشتراک سالانه (دو شماره): ۳۶/۰۰۰ ریال
اشتراک دانشجویی سالانه (دو شماره): ۳۰/۰۰۰ ریال

مایل به اشتراک یک دوره یکساله (۲ شماره) از شماره تا هستیم.

هزینه اشتراک را به شماره حساب ۱۸۷۱۱۷۵۳، بانک تجارت شعبه اردیبهشت (قابل پرداخت در تمامی شعب این بانک)، به نام جهاد دانشگاهی واحد تهران واریز / حواله نمایید.

- برگ اشتراک و رسید بانکی را به نشانی: تهران، خیابان انقلاب، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دفتر جهاد دانشگاهی. تلفن: ۶۶۴۰۷۴۲۲ دورنگار: ۶۶۴۹۴۹۱۹ ارسال فرمایید.

✓ برای استفاده از اشتراک دانشجویی معرفی نامه رسمی از مرکز آموزشی محل تحصیل به همراه برگ اشتراک ارسال گردد.
✓ هرگونه تغییر در نشانی پستی خود را سریعاً به دفتر نشریه به صورت کتبی و یا از طریق تلفن یا فکس: ۶۶۴۰۷۴۲۲ اطلاع دهید.

اشتراک سالانه (دو شماره): ۳۶/۰۰۰ ریال
اشتراک دانشجویی سالانه (دو شماره): ۳۰/۰۰۰ ریال

مایل به اشتراک یک دوره یکساله (۲ شماره) از شماره تا هستیم.

هزینه اشتراک را به شماره حساب ۱۸۷۱۱۷۵۳، بانک تجارت شعبه اردیبهشت (قابل پرداخت در تمامی شعب این بانک)، به نام جهاد دانشگاهی واحد تهران واریز / حواله نمایید.

- برگ اشتراک و رسید بانکی را به نشانی: تهران، خیابان انقلاب، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دفتر جهاد دانشگاهی. تلفن: ۶۶۴۰۷۴۲۲ دورنگار: ۶۶۴۹۴۹۱۹ ارسال فرمایید.

✓ برای استفاده از اشتراک دانشجویی معرفی نامه رسمی از مرکز آموزشی محل تحصیل به همراه برگ اشتراک ارسال گردد.
✓ هرگونه تغییر در نشانی پستی خود را سریعاً به دفتر نشریه به صورت کتبی و یا از طریق تلفن یا فکس: ۶۶۴۰۷۴۲۲ اطلاع دهید.

اشتراک سالانه (دو شماره): ۳۶/۰۰۰ ریال
اشتراک دانشجویی سالانه (دو شماره): ۳۰/۰۰۰ ریال

مایل به اشتراک یک دوره یکساله (۲ شماره) از شماره تا هستیم.

هزینه اشتراک را به شماره حساب ۱۸۷۱۱۷۵۳، بانک تجارت شعبه اردیبهشت (قابل پرداخت در تمامی شعب این بانک)، به نام جهاد دانشگاهی واحد تهران واریز / حواله نمایید.

- برگ اشتراک و رسید بانکی را به نشانی: تهران، خیابان انقلاب، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دفتر جهاد دانشگاهی. تلفن: ۶۶۴۰۷۴۲۲ دورنگار: ۶۶۴۹۴۹۱۹ ارسال فرمایید.

✓ برای استفاده از اشتراک دانشجویی معرفی نامه رسمی از مرکز آموزشی محل تحصیل به همراه برگ اشتراک ارسال گردد.
✓ هرگونه تغییر در نشانی پستی خود را سریعاً به دفتر نشریه به صورت کتبی و یا از طریق تلفن یا فکس: ۶۶۴۰۷۴۲۲ اطلاع دهید.

استان شناسی
دانشگاه تهران
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دفتر جهاد دانشگاهی